

اثربخشی آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع دبیرستان

رضا منصوری*: کارشناسی ارشد تاریخ فلسفه آموزش و پرورش، گروه علوم تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب، تهران، ایران.

مرجان آل بهبهانی: عضو هیأت علمی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر دیلم، بوشهر، ایران.

زهره اسمعیلی: عضو هیأت علمی، گروه علوم تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب، تهران، ایران.

فرزانه امجدیان: کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده: هدف از پژوهش حاضر اثربخشی آموزش هوش معنوی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع متوسطه دوم می‌باشد، این پژوهش از نوع پژوهش شبه آزمایشی با گروه‌های آزمایش و کنترل است، جامعه آماری کلیه دانش آموزان پسر سال سوم مقطع دوم متوسطه شهرستان دلفان در نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ بود. در این پژوهش تعداد ۳۶ دانش آموز از دبیرستان پسرانه شبانه روزی شهدای شهرک امام (ره) بصورت نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جای گرفتند. پس از تعیین حجم نمونه گروه‌های آزمایش و کنترل. در مرحله پیش آزمون معدل نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ دو گروه از مدیریت دبیرستان اخذ گردید، سپس طی ۸ جلسه بر اساس پروتکل آموزشی هادی تبار و همکاران (۱۳۹۰) به آزمودنی‌های گروه آزمایش هوش معنوی آموزش داده شد. پس از اتمام آموزش، نتایج حاصل از مقایسه میانگین پس آزمون گروه‌ها با تحلیل کوواریانس نشان داد تفاوت معناداری بین پس آزمون گروه کنترل و آزمایش وجود دارد و از آنجا که نمره پس آزمون گروه آزمایش افزایش را نشان می‌دهد، بنابراین می‌توان چنین عنوان نمود که آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر پیشرفت تحصیلی فرزندان تأثیر دارد.

واژگان کلیدی: آموزش هوش معنوی، پیشرفت تحصیلی، دانش آموزان، متوسطه دوم.

***نویسنده‌ی مسؤول:** کارشناسی ارشد تاریخ فلسفه آموزش و پرورش، گروه علوم تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب، تهران، ایران.

(Email: reza.mansuri395@gmail.com)

مقدمه

اصطلاح پیشرفت تحصیلی به جلوه‌ای از وضعیت تحصیلی دانش‌آموز یا دانشجو اشاره دارد. این جلوه ممکن است نشان‌دهنده نمره برای یک دوره، میانگین نمرات برای مجموعه دوره‌ها در یک درس یا میانگین نمرات دوره‌های مختلف باشد. پیشرفت تحصیلی و عوامل مربوط به آن، در مجموع میزان پیشرفت تحصیلی و افت آن یکی از ملاک‌های کارایی نظام‌های آموزشی است. بنابراین تحلیل این عوامل و تجسس در علل آن یکی از اساسی‌ترین موضوعات تحقیقاتی و پژوهشی در نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی است. از طرف دیگر پیشرفت تحصیلی به عنوان یکی از متغیرهای وابسته مورد توجه قرار گرفته است. یادگیری و پیشرفت تحصیلی در گرو عوامل بی‌شمار و مجموعه‌ای از فرایندهایی است که به سادگی قابل تشخیص و کنترل نمی‌باشند. میزان پیشرفت تحصیلی یکی از ملاک‌های کارایی نظام آموزش است. پیشرفت تحصیلی در گرو عوامل بی‌شماری است که می‌توان آن‌ها را در دو مقوله کمی عوامل مربوط به تفاوت‌های فردی و عوامل مربوط به مدرسه و نظام آموزش و پرورش بررسی کرد. به عبارتی پیشرفت تحصیلی گاه به علت خصایص، ویژگی‌های شخصیتی و شاخص‌های ذهنی، اجتماعی، عاطفی، خود دانش‌آموز است که می‌تواند متأثر از عوامل مربوط به خانواده نیز باشد و گاه به علت کارکردهای مدرسه و نظام آموزش و پرورش البته این دو حدی با یکدیگر در تعامل‌اند. عوامل مربوط به خانواده، همسالان، محیط مدرسه و جامعه، هر یک در زمره عوامل مولد و مستعدکننده عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان می‌باشند و همه اینها جزء عوامل بیرون محسوب می‌شوند در حالیکه بسیاری از عوامل از درون فرد ناشی می‌شود، برای مثال کوپراسمیت در بررسی تأثیر عزت نفس در پیشرفت تحصیلی ۱۰۲ دانش‌آموز کلاس پنجم دبستان، دریافت که عزت نفس همبستگی معناداری با پیشرفت تحصیلی دارد (فلوری، ۲۰۰۶، برگرفته از قاسم زاده و سعادت، ۲۰۱۱)، همچنین نتایج بررسی اوید الانزی در سال ۲۰۰۵ نشان داد که پیشرفت تحصیلی و ارتباط آن با عزت نفس در دانشجویان کویت حاکی از وجود ارتباط قابل توجهی بین این دو است (قاسم زاده و همکاران، ۲۰۱۲). پیشرفت تحصیلی در نظام آموزشی از اهمیت والایی برخوردار است. پژوهشگران تلاش کرده‌اند تا عواملی که عملکرد یادگیرندگان را بهبود و ارتقاء می‌دهند، شناسایی نمایند. دوگلاس پشرفت تحصیلی را به چند عامل که عبارت بود از: ۱- سلامت دانش‌آموز

۲- تعداد افراد خانواده ۳- کیفیت مدرسه ربط داد. به نظر میرسید که مهمترین عامل تنها عبارت بود از میزان علاقه والدین به تربیت فرزندانشان. دوگلاس دریافت که علاقه والدین و تشویق آنان در جریان رشد سنی کودکان به طور فزاینده‌ای در کسب موفقیت تحصیلی اهمیت می‌یابد (توحیدی، ۱۳۸۴). دانش‌آموزان روزانه با استرس‌های تحصیلی زیادی مواجه می‌شوند که سلامت روانی و جسمی شان را به مخاطره می‌اندازد. در چنین شرایطی، منبعی که می‌تواند به آنها کمک کند، معنویت است (غبرائی بناب، ۱۳۸۶)؛ زیرا می‌تواند آنها را در توجه به تجربه‌های معنوی خود و به کارگیری آن در حل مسائل و درک ارزش و غنای زندگی یاری دهد (حمیدی و همکاران، ۱۳۸۳). استفاده از هوش معنوی آنها را قادر می‌سازد تا برای حل مشکلات با شیوه نگرش معنوی اقدام کنند و به حقیقت رسیده و احساس شادکامی نمایند. وقتی افراد احساس شادی کنند، خلاق‌تر و کارآمدتر هستند و می‌توانند بهتر تصمیم‌گیری نمایند (غبرائی بناب، ۱۳۸۶). در دو دهه اخیر روانشناسی دین و مطالعات موضوعات معنوی به طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است. بیشترین مطالعات صورت گرفته در این حوزه مربوط به رابطه دین و معنویت با سلامت روان است. طبق پژوهش‌های انجام یافته بین معنویت با رضایت و هدفمندی زندگی، سلامت و بهزیستی رابطه مثبت وجود دارد، اما در چند سال اخیر، جنبه جدیدی از معنویت به نام هوش معنوی مورد توجه روانشناسان قرار گرفته است. هوش معنوی پارادایم جدیدی است که بعد از هوش چند گانه گاردنر که در سال ۱۸۹۳ در کتاب چارچوب‌های مغز آورده بود، ظاهر شد. سیکس و تورنس (۲۰۰۱) ریشه هوش معنوی را نوشته‌های باستان و عرفان شرق می‌دانند. آنها به تأثیر صوفی‌ها، اسلام، بودا و نائوئیسم اشاره کرده‌اند (کریچشن، ۲۰۰۸؛ به نقل از ساروغانی، ۱۳۸۹). هوش معنوی، هوش منحصر به فردی است که برای حل کردن مشکلات و مسائل مربوط به معنا و زندگی و ارزش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. سیندی ویگلز ورت، هوش معنوی را به عنوان توانایی برای رفتار کردن همراه با دلسوزی و مهربانی و عقب و خرد با حفظ آرامش درونی و بیرونی بدون توجه به شرایط می‌داند (ویگلز ورت، ۲۰۰۱). هوش معنوی مجموعه‌ای از توانایی‌ها برای بهره‌گیری از منابع دینی و مفهومی است که سازه‌های هوش و معنویت را در یک سازه ترکیب نموده است. در حالی که معنویت جستجو برای یافتن عناصر مقدس، معنایابی، هوشیاری بالا و تعالی است، هوش معنوی، شامل توانایی استفاده از این

درگیری در رفتار فضیلت مآبانه (بخشش، سپاسگزاری، فروتنی، احساس شفقت (هادی تبار و همکاران، ۱۳۹۰). از منظر نوبل (۲۰۰۰) هوش معنوی یک استعداد ذاتی بشری می باشد. وی با توانایی‌های اصلی آموز برای هوش معنوی موافق و دو مؤلفه دیگر نیز به آنها اضافه می‌کند: تشخیص آگاهانه این موضوع که واقعیت فیزیکی درون یک واقعیت بزرگتر و چند بعدی که ما هشیارانه و ناهشیارانه با آن به طور لحظه به لحظه تعامل داریم صورت‌بندی می‌شود و پیگیری آگاهانه سلامت روانشناختی، نه تنها برای خودمان بلکه هم‌چنین برای جامعه جهانی (هادی تبار و همکاران، ۱۳۹۰). برخی شواهد نشان می‌دهند، تمرین‌های معنوی (تعمق)، افزایش دهنده آگاهی و بینش نسبت به سطوح چندگانه هوشیاری هستند و بر عملکرد افراد تأثیر مثبت دارند. (غبرایی بناب و همکاران، ۱۳۸۶). از نظر سیسک و تورنس (۲۰۰۱) هوش معنوی به عنوان یک خودآگاهی عمیق که در آن فرد بیش از بیش از ابعاد خویش آگاه می‌شود است از نظر وی هوش معنوی از ابعاد ذیل ساخته شده است:

۱. دانش درونی: هوش معنوی دستیابی ما را قادر می‌سازد تا یک دانش درونی را رشد بدهیم. در زبان فلسفه هندی، دانش درونی، آگاهی از جوهر و ماهیت هوشیاری است و فهم اینکه این جوهر درونی، ماهیت همه آفریدگان می‌باشد. هوش معنوی دستیابی ما را به یک هوشیاری فزاینده که در آن یک آگاهی از حسن تفاهم و یکی بودن با جهان هستی و همه مخلوقاتش وجود دارد، فراهم می‌کند.
۲. شهود عمیق: ما را با ذهن جهانی و پاسخ مشکلات که نتیجه شهود عمیق می‌باشد پیوند می‌دهد. به واسطه کاربرد هوش معنوی ما می‌توانیم یکپارچه بشویم، اگر که راضی شویم انتخاب هایمان را به سمت هوشیاری اصیل یا شهود عمیق برگردانیم.
۳. یکی شدن با طبیعت و جهان: هوش معنوی ما را قادر می‌سازد تا با طبیعت یکی شویم و با فرایندهای زندگی همساز شویم، هوش معنوی ما را ترغیب می‌کند تا تمامیت، احساسی از وحدت و رابطه را جستجو کنیم.
۴. حل مسئله: هوش معنوی ما را قادر می‌سازد تا تصویر بزرگتری را ببینیم. اعمالمان را در رابطه با یک زمینه بزرگتر که منجر به معنای زندگی می‌شود ترکیب کنیم، با هوش معنوی می‌توانیم مشکلات معنا و ارزش را تشخیص بدهیم و حل کنیم. جیناسفاسین (تیری، ۲۰۰۶) تأکید می‌کند که در مراحل تطبیق با محیط اطراف هوش معنوی نقش برتری نسبت به هوش هیجانی دارد.

موضوعات است که می‌تواند کارکرد و سازگاری را پیش‌بینی کند و منجر به تولید نتایج ارزشمندی گردد (رجایی، ۱۳۸۸). مطرح شدن جدی مفهوم و واژه هوش معنوی در ادبیات علمی روان‌شناسی و مدیریت را باید به زوهر و مارشال (۲۰۰۰) و نیز ایمونز (۲۰۰۰) نسبت بدهیم. زوهر و مارشال در کتاب خود با عنوان هوش معنوی، هوش غایی (Spiritual Intelligence, The Ultimate Intelligence) در سال ۲۰۰۰ میلادی چارچوبی برای تعیین انواع هوش ارائه کردند که مبتنی بر کارکرد سیستم‌های عصبی مغز می‌باشد. آنها کارکرد مغز را از دیدگاه عصب‌شناسی بررسی کردند و همه انواع هوش‌های ممکن را به سه نوع سیستم عصبی اصلی در مغز پیوند دادند. زوهر و مارشال سه نوع هوش؛ بهره هوشی، هوش عاطفی و هوش معنوی را شناسایی کردند و عقیده دارند که همه هوش‌های دیگر زیر مجموعه‌های این سه نوع هوش کلی تلقی می‌شوند. هوش اول که مبتنی بر تفکر خطی مغز است، است و مناسب حل مسائل ریاضی و منطقی می‌باشد. دومین نوع هوش که (IQ) همان بهره هوشی مبتنی بر تفکر تعاملی (Associative Thinking) مرکز است، همان هوش عاطفی است و به افراد کمک می‌کند تا عواطف و احساسات خود و دیگران را مدیریت کنند. هوش معنوی نیز به عنوان سومین نوع هوش، مبتنی بر تفکر وحدت بخش مغز است. زوهر و مارشال (۲۰۰۰) هوش معنوی را به این صورت تعریف می‌کنند: هوشی که از طریق آن مسائل مربوط به معنا و ارزش‌ها را حل می‌کنیم، هوشی که فعالیت‌ها و زندگی ما را در زمین‌های وسیع تر، غنی تر و معنادار قرار می‌دهد. هوشی که به ما کمک می‌کند بفهمیم کدام اقدامات یا کدام مسیر معنادارتر از دیگری است درباره اجزای تشکیل دهنده‌ی هوش معنوی (مؤلفه‌ها) نظرات مختلفی ارائه شده است. در زیر به طرح چند رویکرد درباره عوامل اصلی هوش معنوی اشاره می‌شود. از نظر امونز (۲۰۰۰) هوش معنوی کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی در جهت حل مسئله در زندگی روزانه و فرایند دستیابی به هدف می‌باشد. وی به صورت ابتکاری پنج مؤلفه را برای هوش معنوی پیشنهاد کرده است:

- ۱- ظرفیت تعالی (فرا گذاشتن از دنیای جسمانی و مادی و متعالی کردن آن) ۲- توانایی ورود به حالت‌های معنوی از هوشیاری ۳- توانایی آراستن فعالیت‌ها، حوادث و روابط زندگی روزانه با احساسی از تقدس ۴- توانایی استفاده از منابع معنوی در جهت حل مسائل زندگی ۵- فضیلت

بزار پژوهش

پیشرفت تحصیلی:

در پژوهش حاضر، ملاک پیشرفت تحصیلی، معدل ترم گذشته (ترم دوم سال تحصیلی ۹۴-۹۳) بود که از کارنامه مستخرج شد.

روش اجرا

در این پژوهش پس از تعیین حجم نمونه گروه‌های آزمایش و کنترل. در مرحله پیش آزمون معدل نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ دو گروه از مدیریت دبیرستان اخذ گردید، سپس طی ۸ جلسه بر اساس پروتکل آموزشی هادی تبار و همکاران (۱۳۹۰) به آزمودنی‌ها هوش معنوی آموزش داده شد. فاصله جلسات ۷ روز بود و هر جلسه یک ساعت به طول انجامید. جلسات برگزار شده مجموعاً در طی دو ماه بود و کلیه جلسات توسط محقق برگزار شد. گروه کنترل نیز بدون هیچ برنامه آموزشی بودند و پس از اتمام آموزش، نمرات ترم دوم نیمسال تحصیلی به عنوان پس آزمون برای هر دو گروه ثبت شد.

محتوای آموزش شامل:

- نحوه آزمون

- اجرا تمرینات ریلکسیشن و مدیتیشن و تعمق و آموزش آن جهت اجرا در هر روز.

- آموزش روش‌های خود آگاهی و پرسشنامه‌های باز پاسخ طراحی شده در این زمینه.

- آموزش در زمینه پرسش‌های اساسی زندگی و یادگیری جستجوی عاملی که فرد را به بالا یا پایین هرم انگیزه‌ها هدایت می‌کنند.

- آموزش در زمینه معنی و نقش آن در مقابله با بحران‌ها و شرایط پر استرس زندگی با الهام از معنادرمانی ویکتور فرانکل

- آموزش در زمینه تفکر انتقادی (هادی تبار و همکاران، ۱۳۹۰).

یافته ها

جدول شماره ۲- آمارهای توصیفی نمره پیش آزمون و پس

آزمون پیشرفت تحصیلی در گروه کنترل و آزمایش

متغیر	گروه	پیش آزمون		پس آزمون	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
پیشرفت تحصیلی	آزمایش	۱۶/۰۰	۱/۸۲	۱۸/۱۷	۱/۳۲
	کنترل	۱۶/۱۲	۱/۹۲	۱۶/۶۸	۱/۹۵

با توجه به آمارهای توصیفی در جدول (۲)، پیشرفت تحصیلی در ۱۶ نفر از گروه آزمایش در پیش‌آزمون با

لویین (به نقل از حسینی و دیگران، ۲۰۱۰) استفاده از هوش معنوی را فراتر از حواس پنج گانه انسان می‌داند و اینکه هوش معنوی و رأی منطق و دلیل است که می‌تواند معنا و ارزش زندگی هر کس را تعیین کند. زوهر و مارشال معتقدند هوش معنوی از طریق جستجوی معنای اصلی موقعیت‌ها، مطرح کردن «چرا» برای مسائل و تلاش برای برقراری ارتباط میان رویدادها رشد می‌کند. همچنین یادگیری و بازشناسی و گوش دادن به پیام‌های شهودی راهنمایی کننده یا صدای درونی، متفکر بودن، بالا بردن خودآگاهی، آموختن از اشتباهات و صداقت داشتن با خود باعث افزایش هوش معنوی می‌شود (نوبل، ۲۰۰۱؛ زوهر و مارشال، به نقل از: ناسل، ۲۰۰۴). صمدی (۱۳۸۵) در پژوهشی تحت عنوان هوش معنوی بیان می‌کند که کشف وجود تجربه‌های معنوی افراد، تعیین حوزه قلمروهای ویژه در اعصاب، وجود منطقه خدا در ساختار مغز و ساختار معماری مغز در حل مسأله، زمینه‌هایی را برای باور پذیری وجود هوش معنوی به دست می‌دهد. (جاکس و براس ۲۰۰۰، به نقل از گرین و نوبل ۲۰۱۰) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که دانشجویانی که باورهای معنوی قویتری داشتند نسبت به دانشجویانی که باورهای مادی گرا داشتند، روحیه آماده‌تری برای کسب تجربیات جدید، یادگیری و اهداف زیادی داشتند و نسبت به مسائل و مشکلات کمتر نگران بودند. گرچه مطالعات گذشته به پیشرفت تحصیلی و عوامل تأثیرگذار بر آن پرداخته‌اند اما به هوش معنوی و پیشرفت تحصیلی توجه چندانی نشده است که در این مطالعه به دنبال پر کردن این خلاء پژوهشی هستیم.

مواد و روش‌ها

جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان پسر سال سوم مقطع متوسطه دوم شهرستان دلفان در نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ بود. در این پژوهش تعداد ۳۶ دانش‌آموز پایه سوم دبیرستان از دبیرستان پسرانه شبانه روزی شهدای شهرک امام (ره) بصورت نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جای گرفتند.

جدول شماره ۱- اطلاعات توصیفی مربوط به آزمودنی‌های

دو گروه

متغیر	جنس	تعداد	درصد	گروه
				آزمایش
	پسر	۱۶	۵۰	آزمایش
	پسر	۱۶	۵۰	کنترل

جلسات آموزشی روش شفاف شده و میزان آن در افراد تغییر می‌کند و از آنجا که خودآگاهی در هر زمینه تأثیر فراوانی دارد، در پیشرفت تحصیلی نیز بسیار مؤثر است. خودآگاهی موجب می‌شود فرد با خودش پیش از پیش آشنا شده و نقاط ضعف و قوت خود را بشناسد و فرایندهایی را در خود شناسایی کند که موجب عملکردهای گوناگون وی می‌شود. این موضوع در زمینه تحصیلی بسیار سودمند خواهد بود زیرا نقاط ضعف و قوت فرد در زمینه تحصیل شناسایی شده و فرد می‌تواند برای برطرف کردن نقاط ضعف خود راهکارهایی را جستجو کند و در جهت استفاده از نقاط قوت خود برنامه‌هایی تدوین کند و با شناسایی فرایندهایی نظیر انگیزش یا بی‌انگیزگی در خود در راستای متوقف کردن یا پویاتر کردن این فرایندها گام بردارد که همه این‌ها موجب تقویت شرایط تحصیلی فرد می‌شود. از دیگر مؤلفه‌های هوش معنوی هوشیاری می‌باشد، شواهد نشان داده است که ضعف درسی و افت عملکرد بسیاری از دانش‌آموزان به دلیل عدم توجه، تمرکز و حساس نبودن در مقابل محرک‌های محیطی است.

با دستکاری هوش معنوی در بعد هوشیاری توجه، تمرکز و حساسیت در مقابل محرک‌های آموزشی در دانشجو بالا خواهد رفت که این بطور مستقیم بازده آموزشی دانش‌آموز را بالا برده و موجب پیشرفت تحصیلی وی خواهد شد. از سوی دیگر معنادگی که از دیگر ابعاد هوش معنوی است در تعیین هدف‌های کلی زندگی بسیار مؤثر است این هدف‌های کلی می‌تواند جهت ابعاد جزئی زندگی را مشخص کند، تحصیل از این اهداف است. وقتی زندگی فرد معنا یابد انگیزه‌های او نیز دستکاری شده و در راستای این معنا فعال می‌شوند. به تبع این جریان کلی انگیزه‌های تحصیلی دانشجو نیز فعال می‌شود و پیشرفت تحصیلی را رقم می‌زند. زوهر و مارشال (۲۰۰۰) می‌گویند که هوش معنوی، هوشی است که توسط آن مسائل معنادارتر و ارزش‌ها را حل می‌کنیم و فعالیت‌ها و زندگی ما را در زمینه‌ای وسیع‌تر، غنی‌تر و معنادار قرار می‌دهد و به ما کمک می‌کند تا بفهمیم کدام اقدامات یا کدام مسیر معنادارتر از دیگری است. (لاکی و براس ۲۰۰۴؛ به نقل از گرین و نوبل، ۲۰۱۰) دریافتند که عقاید و باورهای معنوی نه تنها باعث افزایش میزان یادگیری و استفاده از دانش آموخته می‌شود، این توانایی‌ها شامل حافظه، سرعت پردازش، بیان، قدرت تجسم، آنالیز ادراکی انگیزه و پشتکار می‌باشد. آنیما ساهون (۲۰۱۰) دریافت که هوش هیجانی و هوش معنوی نقش مهمتر از هوش

میانگین در ۱۶/۰۰ و در پس آزمون ۱۸/۱۷ بوده است. همچنین در ۳۰ نفر گروه کنترل میانگین پیشرفت تحصیلی در پیش‌آزمون ۱۶/۱۲ و در پس‌آزمون ۱۶/۶۸ بوده است. در این قسمت به بررسی توزیع داده‌ها پرداخته می‌شود و از طریق آزمون‌های کالموگروف اسمیرنوف و لوین استفاده نحو پارامتریک بودن یا ناپارامتریک بودن داده‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول شماره ۳- آزمون کالموگروف-اسمیرنوف و آزمون لوین به منظور بررسی نرمالیتی داده‌ها

متغیر	آزمون کالموگروف-اسمیرنوف		آزمون لوین	
	Sig.	Z	F	Sig.
پیشرفت تحصیلی	.۰۸۰۸		۱/۵۷۸	.۱۸۱

با توجه به نتایج معیار تصمیم (P-Value) که این مقدار بیشتر از سطح معنی داری ۰/۰۵ است. بنابراین دلیلی برای رد این فرض که نمونه مورد نظر از توزیع نرمال بدست آمده است وجود ندارد. در جدول تحلیل کواریانس با توجه به اینکه سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ است لذا در این سطح H_0 رد و H_1 (فرضیه محقق) پذیرفته می‌شود. یعنی نمرات پیشرفت تحصیلی در گروه آزمایش به طور معنی‌دار بیشتر از گروه کنترل است. در نتیجه آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی باعث افزایش عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان گردیده است و با توجه به مجذور ضریب اتا می‌توان گفت میزان تأثیر آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر افزایش عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان ۵۴ درصد بوده است.

جدول شماره ۴: تحلیل کواریانس مربوط به اثربخشی

آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر افزایش عملکرد تحصیلی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	Sig.	مجذور اتا
پیش آزمون	۶۹/۸۵۷	۶	۱۱/۶۴۳	۱۹/۹۳۳	.۰۰۰	.۸۳۳
گروه	۱۶/۴۸۷	۱	۱۶/۴۸۷	۲۸/۲۲۷	.۰۰۰	.۵۴۰
خطا	۱۴/۰۱۸	۲۴	.۵۸۴			

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش، بین هوش معنوی و پیشرفت تحصیلی رابطه معنادار مثبتی به دست آمد. این یافته با یافته پژوهش‌های (داوودی، ۱۳۹۰)؛ اربابی سرجو و همکاران (۲۰۱۳)؛ عابدی و سرخی (۱۳۸۸)؛ شیروانین (۱۳۹۰)؛ نصر اصفهانی و اعتمادی (۱۳۹۱)؛ یانگ و مائو (۲۰۰۷)؛ جرج (۲۰۰۶) و مک‌گری و کاستا (۱۹۹۶) همسو می‌باشد است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که خودآگاهی که از ابعاد هوش معنوی است با برگزاری

نیاز به هوش معنوی حس می شود تا ما بفهمیم که چه هستیم و اشیای اطراف چه معنی می دهند و می توانیم به کمک هوش معنوی جای خود را در این جهان پهناور بفهمیم و هوش معنوی کمک می کند تا آن چه را که بالقوه داریم به بالفعل تبدیل کنیم، هوش معنوی تأثیر شگرفی بر کیفیت زندگی افراد در تمامی زمینه ها (تحصیلی-شغلی و زندگی خانوادگی) دارد.

References

Animasahun, A.R 2010. *Intelligent quotient, emotional intelligence and spiritual intelligence as correlates of prison adjustment among inmates in Nigeriaprison*. J Soc Sci, Vol.22, No.2, Pp.121-128.

Abedi, F, Sorkhi, Z 2008. The relationship between spiritual intelligence and personality traits among people 19-50 years of Sari city, *Master's thesis in General Psychology*, Payam-e-noor University, Behshahr, Iran [Persian].

Arbabisarjou, A, Raghieb, M, Rezazade, S, etal 2013. The Relationship between Emotional Intelligence, Spiritual Intelligence, and Students' Academic Achievement. *World of Sciences Journal*. Vol. 1, No. 8 Pp. 45-51.

Biyabangard, A 2004. Ways to increase self-esteem in children and adolescents. Tehran, *Publications PTA*. [Persian].

Cooper smith, H 1967. *The Antecedents of Self-esteem*, W. H , Frecman and Company Sanfrancisco.

Davoudi, I, Bazrafkan, H, Vatankhah, M, etal 2011. *Blog of comprehensive industrial and organizational psychology* [Persian].

Emmons, R. A 2000. *In spirituality and intelligence? Motivation, Cognition and the psychology of ultimate concern*, International Journal for the Psychology of Religion, Vol.10, No.1, Pp.3-26.

George, M 2006. paractical application of spiritual intelligence in the work place. *Human Resource management international Digest journal*, Vol.14, No.5, Pp.3-5.

ادراکی دارند و بهتر است در آموزش به جای تأکید هوش ادراکی و با هوش بودن افراد، روی هوش هیجانی و هوش معنوی دانش آموزان و افراد دیگر کار شود. بیابانگرد (۱۳۸۴) بر این باور است که اگر یک کودک پیشرفت تحصیلی خوبی با توجه به معیارهای مورد قبول جامعه داشته باشد (که طبیعتاً این معیارها توسط خانواده، مدرسه، معلمان و دوستان شکل گرفته اند)، از عزت نفس تحصیلی که ناشی از هوش معنوی بالا می باشد، برخوردار است. حل مسئله که از ابعاد هوش معنوی است در زمینه های تحصیلی از توانمندی های مورد نیاز و مهم است که افزایش پیشرفت تحصیلی را قابل پیش بینی می سازد. یانگ و مائو (۲۰۰۷) می گوید افراد با هوش معنوی بالا و موقعیت های تولیدکننده فشار را بهتر اداره می کنند، این موضوع مبین این است که با دستکاری هوش معنوی در دانشجویان می توان به اداره موقعیت های فشارزای تحصیلی در آنها امیدوار بود (پای، ۲۰۱۳). جرج (۲۰۰۶) نیز آرامش خاطر و چگونگی آن بر اثر بخشی فرد را مهمترین کاربرد هوش معنوی می داند که بر این اساس اثر بخشی تحصیلی فرد نیز می تواند شامل این موضوع باشد. پس وقتی این توانایی افزایش یابد موضوعات علمی و درسی را نیز در بر می گیرد که موجب پیشرفت تحصیلی می گردد. همچنین تأکید صاحب نظران بر کنش انطباقی هوش معنوی نشان می دهد که افزایش این کنش در فرد به انطباق بیشتر او با محیط تحصیلی کمک نموده و در نهایت پیشرفت تحصیلی دانش آموز را موجب می شود. بر اساس تحقیق شیروانیان (۱۳۹۰) آنجا که هوش معنوی و وجدانی بودن همبستگی مثبت دارند، با دستکاری هوش معنوی وجدانی بودن و مسئولیت پذیری افراد نیز بالا رفته، پس دانش آموز با مسئولیت پذیری بیشتری تکالیف تحصیلی خود را دنبال می کند و هنگامی که دانش آموز به تکالیف تحصیلی خود بهتر برسد، قطعاً شاهد پیشرفت تحصیلی او خواهیم بود. همانطور که مک گری و کاستا (۱۹۹۶) برگرفته از پای، ۲۰۱۳) هوش معنوی بالا را موجب وظیفه شناسی و مسئولیت پذیری می دانند که تسهیل کننده رفتار تکلیف محور است و همچنین موجب افزایش توان به تأخیر اندازی ارضاء خواسته ها می شود که این مسئله در دوران تحصیل از اهمیت بسیاری برخوردار است زیرا دانش آموزان با به تأخیر انداختن نیازهایی که منحرف کننده افکار وی از تمرکز بر تحصیل است، موجب پیشرفت تحصیلی خود می گردد. (گلمن ۱۹۹۵؛ به نقل از حسینی و دیگران، ۲۰۱۰) معتقد است که هوش هیجانی نمی تواند خلاء احساسی موجود بین رابطه انسان و دیگران را پر کند و

- Nobel, K. D 2000. *Spiritual intelligence: A new frame of mind*. Advanced Development Journal, Vol.9, Pp.1-28.
- Papi, S 2013. Foresighting the Spiritual Intelligence of Teachers of Andimeshk in the Academic Year 2012-2013 According to the NEO 5 Major Factors of Personality. Master's thesis in General Psychology, Islamic Azad University, Isfahan Branch [Persian].
- Rajai, A 2009. Spiritual Intelligence: perspectives and challenges. *Journal of Educational Islamic Azad University, Bojnoord Branch*. Vol.22, Pp.21-51 [Persian].
- Saghrvani, S 2010. Spiritual intelligence gains for the individual and the organization. *Journal of Tadbir*, Vol. 21, No.215, Pp. 35-39. [Persian].
- Samadi, P 2006. [Spiritual intelligence]. *Journal Modern Educational Thought*. Vol.2, No.3, Pp. 99 -114. [Persian]
- Sisk , D.A. , Torrance , E. P 2001. *Spiritual Intelligence: Developing higher consciousness*. Buffalo, New York: Creative Education Foundation Press.
- Tirri, K 2006. *Conceptual definition and empirical validation of the spiritual sensitivity scale*, Journal of empirical Theology, Vol.19, No.1, Pp.37-62.
- Tohidi, H 2004. *Factors affecting student achievement*, Education research project in Tabriz. [Persian].
- Wiggle Worth, C 2004, spiritual intelligence and why matters. www.consciospursuits.com
- Yang.K, Mao.X 2007. A study of nurses spiritual intelligence: A cross sectional questionnaire survey, *International journal if nursing study*, Vol. 44, Pp. 999-1010.
- Zohar, D, Marshall, I 2000. *SI: Spiritual Intelligence, the Ultimate Intelligence*. London: Bloomsburg.
- Ghasemzadeh, A. R, Saadat, M 2011. Locus of control in Iranian university Student and its relationship with academic achievement. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 30, 2491 – 2496 [Persian].
- Ghasemzadeh, A. R, Saadat, M, Soleimani, M 2012. Self-esteem in Iranian university students and its relationship with academic achievement. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Vol. 31, Pp.10 – 14 [Persian].
- Ghobrai Bonab, B, Salimi, M, Soleimani, L, etal 2007. Spiritual intelligence, Journal of Education, *Journal of modern religious thought*, Vol.10, Pp.147-125 [Persian].
- Green, N. W, Noble, D. K 2010. *Fostering spiritual Intelligence undergraduates, Growth in a course about consciousness*. Advanced Development Journal, Vol.12, Pp.26-48.
- Haditabar, H, Navabinejad, SH, Ahghar, Gh 1390. Effectiveness of the components of spiritual intelligence on the quality of life of adults studying in schools in Tehran on 90-89 school year. *Journal of Veteran medicine*, Vol.4, No.14, Pp.1-11 [Persian].
- Hamidi, F, Rasoolzade Tabatabaei, K, Afrooz, G.A, etal 2004. Runaways and effectiveness of family structure and family therapy, supportive therapy in the change. *Journal of Psychology*, Vol.8, No.30, Pp.114-127. (Persian).
- Hosseini, M, Elias, H, Krauss ,SE, etal 2010. A Review Study on Spiritual Intelligence, Adolescence and Spiritual Intelligence, Factors that may Contribute to Individual Differences in Spiritual Intelligence and the Related Theories. *Journal of Social Sciences*; Vol.6, No.3, Pp. 429- 438.
- Nasr Esfahani, N, Etemadi, A 2012. Personality characteristics and spiritual intelligence and quality of life of Allameh Tabatabai University. *Journal of Research & Health*. Vol.2, No.2, Pp.226-235.

The Effectiveness of Teaching Spiritual Intelligence Components in Students' Educational Progress

Reza Mansouri^{1,*}

Marjan Al behbahani²

Zohreh Esmaili³

Farzaneh Amjadiyan⁴

¹: MA in the History of Philosophy of Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Department of Education, Payam Noor University of South Tehran, Tehran, Iran.

²: Faculty Member, Department of Psychology, Islamic Azad University, Branch Bandar Deilam, Boushehr, Iran.

³: Assistant Professor, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Department of Education, Payam Noor University of South Tehran, Tehran, Iran.

⁴: MA in school counseling, Department of Counseling, School Psychology and Educational Sciences, University of Shahid beheshti, Tehran, Iran.

Abstract: The present research aimed to examine the effectiveness of teaching spiritual intelligence components in educational progress among a selected group of male students in the 3rd year of a boarding high school in Delphan city, Iran. The study was conducted in a quasi-experimental framework with experimental and control groups. The population included all 3rd-year high school students (i.e., 2nd grade in high school) who studied in second semester of calendar year in 2014-15, among whom a total number of 36 students were selected through a multistage sampling method in Imam's Martyrs District High School and then randomly divided into experimental and control groups. As the first step, the average scores of students in the period, provided by head of high school, were considered as the pretest, and then the experimental group received the treatment for 8 sessions on the basis of Educational Protocol of Haditabar et al. (2011). The data were, then, analyzed through Analysis of Covariance (ANCOVA), the results of which revealed that there was a significant difference between the scores of control and experimental groups in posttest. It was concluded that teaching spiritual intelligence could considerably enhance educational progress of students in secondary school.

Keywords: Teaching spiritual intelligence, educational progress, students, educational consultation, 2nd grade in high school.

***Corresponding author:** MA in the History of Philosophy of Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Department of Education, Payam Noor University of South Tehran, Tehran, Iran.

Email: reza.mansuri395@gmail.com